

The Capacities of Muslim Societies in Promoting Human Rights Education

Received: 28/09/2017; Accepted: 28/05/2018

Mostafa Fazaeli¹

Fatematossadat Haghshenas²

Abstract

Nowadays, human rights education is of great concern for the international community in promoting the respect to human rights. However, inattention to the challenges and obstacles that can encounter education process with inefficiency would cause failure in achieving the goals of education. Identification and applying effective and appropriate means according to local capacities in each region would provide the requirements to overcome the existing and perceived challenges and obstacles. Dual challenge of the discourse of religion and human rights in Muslim societies is a barrier to development of human rights education paying attention to which seems necessary in finding proper and appropriate means and mechanisms for human rights education in these societies based on their capacities. These capacities can be examined in two categories. The first category is the general capacity of Muslim communities, including non-governmental organizations, as well as academic legal clinics and the clinical education method of human rights that is recognized as an effective method to the core elements of human rights education in accordance with international documents in all societies. The second category is the specific capacities of Muslim communities which can considerably contribute to the promotion of human rights through localization of human rights clinical education, resolving the challenges meeting the university law clinics and increasing their effectiveness regarding human rights education in these societies. The present paper, through describing and analyzing mainly-library-based data, aims to investigate the quality of the function of general capacities and tries to identify and present the specific ones such as Waqf institution, mosques and the educational role of Muslim clerics.

Keywords: Human Rights Education, Human Rights, Muslim Societies, University Law Clinics.



1 Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom (Corresponding Author); Email: m-fazaeli@qom.ac.ir/fazaeli2007@gmail.com
2 MA in International Law, Faculty of Law, University of Qom.

ظرفیت‌های جوامع مسلمان در ارتقای آموزش حقوق بشر

مصطفی فضائلی^۱

فاطمه السادات حق شناس^۲

تاریخ دریافت ۹۶/۰۷/۰۶ - تاریخ پذیرش ۹۷/۰۳/۰۷

چکیده

امروزه، آموزش حقوق بشر، به عنوان ابزاری مهم در راستای ارتقای احترام به حقوق بشر، مورد اهتمام وافر جامعه بین‌المللی است. اما عدم توجه به چالش‌ها و موانعی که می‌تواند فرآیند آموزش را با ناکارآمدی مواجه سازد، سبب ناکامی در نیل به اهداف آموزش خواهد شد. شناسایی و به‌کارگیری شیوه‌های مؤثر و متناسب با ظرفیت‌های بومی در هر منطقه، موجبات غلبه بر چالش‌ها و موانع موجود و محتمل را فراهم می‌سازد. در جوامع مسلمان، چالش مضاعف تقابل گفتمان دین و حقوق بشر نیز از موانع توسعه آموزش حقوق بشر تلقی می‌شود که توجه به آن، در شناسایی شیوه‌های متناسب برای آموزش حقوق بشر مبتنی بر ظرفیت‌های بومی جوامع مسلمان، ضروری می‌نماید. ظرفیت‌های مورد نظر در دو دسته قابل بررسی است. دسته نخست، ظرفیت‌های عام و غیرمختص به جوامع مسلمان برای ارتقای حقوق بشر هستند؛ همچون ظرفیت سازمان‌های غیردولتی، کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی و شیوه آموزش کلینیکی حقوق بشر، که شیوه‌ای کارآمد، متناسب با عناصر اصلی آموزش حقوق بشر و مطابق با اسناد بین‌المللی، در همه جوامع شناخته می‌شود. دسته دوم، ظرفیت‌های اختصاصی جوامع مسلمان هستند که می‌توانند از طریق بومی‌سازی شیوه آموزش کلینیکی حقوق بشر، رفع چالش‌های پیش روی کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی و افزایش کارآمدی آن‌ها در زمینه آموزش حقوق بشر، به ارتقای حقوق بشر در این جوامع کمک شایانی بکنند. واکاوی چگونگی کارکرد ظرفیت‌های عام و تلاش در جهت شناسایی و ارائه‌ی ظرفیت‌های خاص از قبیل نهاد وقف، مساجد و نقش آموزشی روحانیون مسلمان، وجهه همت این نوشتار است، که با توصیف و تحلیل داده‌های عمدتاً کتابخانه‌ای به انجام رسیده است.

واژگان کلیدی: آموزش حقوق بشر، حقوق بشر، جوامع مسلمان، کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی.

۱ دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

m-fazaeli@qom.ac.ir/fazaeli2007@gmail.com

۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.





مقدمه

اهمیت آموزش حقوق بشر در جامعه جهانی به اندازه‌ای است که در اسناد بین‌المللی متعدد از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۲۶)، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۱۳)، پیمان‌نامه حقوق کودک (ماده ۲۹)، پیمان‌نامه منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (ماده ۱۰) و پیمان‌نامه رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی (ماده ۷)، مورد توجه واقع شده و در این زمینه، تلاش‌های زیادی صورت پذیرفته تا آن‌که در کنفرانس جهانی حقوق بشر وین (۱۹۹۳) به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس پیشنهاد مطرح در اعلامیه این کنفرانس (بخش ۱ پاراگراف‌های ۳۳ و ۳۴)، مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه ۴۹/۱۸۴، از اول دسامبر ۱۹۹۵ تا پایان سال ۲۰۰۴ را به عنوان «دهه آموزش حقوق بشر» اعلام کرد. به دلیل اهمیت زیاد مساله آموزش حقوق بشر، مجمع در سال ۲۰۱۰ پیش‌نویس اعلامیه سازمان ملل متحد در رابطه با آموزش و کارآموزی حقوق بشر را تهیه نمود و شورای حقوق بشر در قطعنامه ۱۶/۱ مورخ ۲۳ مارس ۲۰۱۱ آن را تصویب کرد و این مصوبه ضمیمه قطعنامه ۶۶/۱۳۷ مورخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد شد. اما در مقام عمل، آموزش حقوق بشر در سطح جهان به ویژه در جوامع مسلمان هنوز نتوانسته به طور مطلوب ارتقا یافته و به اهدافش دست یابد که به نظر می‌رسد فقدان شیوه آموزشی مناسب و متناسب از مهمترین دلایل این ناکامی باشد. علاوه بر این، آموزش حقوق بشر در جوامع مسلمان با چالش مضاعف ناهماهنگی گفتمان دین و حقوق بشر دست به گریبان است.

از سوی دیگر، در دین مبین اسلام تعلیم و تربیت به عنوان وظیفه و تکلیف اجتماعی شناخته شده است و از واجبات اجتماعی به شمار می‌آید که متعلق به کل جامعه است نه یک طبقه خاص. به علاوه شریعت اسلام سرشار از آموزه‌ها و گزاره‌هایی است که به کرامت انسان پرداخته و رعایت حقوق انسانی را واجب دانسته و حتی بر حفظ حقوق





طبیعت و محیط زیست نیز تاکید فراوان دارد. همچنین دین اسلام از نهادهایی همچون وقف و مسجد بهره می‌برد که هر یک به توسعه آموزش و ترویج آموزه‌های دینی کمک شایانی کرده‌اند. همه این موارد اقتضا دارد که در جهان امروز که توجه به حقوق بشر پیوسته رو به فزونی است، با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، آموزه‌های حقوق بشری اسلام معرفی شود و ارتقا یابد، تا تعامل جوامع مسلمان با حقوق بشر تعاملی کنشی باشد و نه واکنشی؛ به گونه‌ای که با بیان بسیاری از مشترکات حقوق بشر و آموزه‌های حقوق بشری اسلام، موضوع آموزش حقوق بشر در جوامع اسلامی مقبولیت قابل توجهی بیابد.

در این مقاله ضمن بررسی مفهوم آموزش حقوق بشر و محتوای آن، سعی شده است تا با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و به کارگیری روش توصیفی تحلیلی، به واکاوی ظرفیت‌های عام و همچنین اختصاصی در جوامع مسلمان برای آموزش حقوق بشر پرداخته، شیوه و چگونگی فعال سازی ظرفیت‌های بومی برای توسعه این آموزش و کاهش چالش‌های پیش‌روی گسترش حقوق بشر در این جوامع تبیین گردد.

۱. تعریف آموزش حقوق بشر

تعاریف متعددی برای آموزش حقوق بشر ارائه شده است، به عنوان مثال برخی آموزش حقوق بشر را شامل تمامی آموزش‌هایی می‌دانند که اطلاعات، مهارت‌ها و ارزش‌های حقوق بشر را توسعه و ارتقاء می‌بخشد (Conde, 2004: 75). اما، آموزش حقوق بشر باید چیزی فراتر از آگاهی بخشی صرف باشد و فرآیندی طولانی مدت را در نظر بگیرد که به واسطه آن مردم در هر سطحی از توسعه و در هر قشری از جامعه احترام به کرامت دیگران و وسایل و روش‌های تأمین این احترام در تمام جوامع را بیاموزند (UN/GA/RES/49/184, 1994). در چارچوب چنین فرآیندی آموزش و تعلیم باید عمده مشکلات بشریت پیرامون رابطه فرد انسانی با هم نوعانش و همچنین با محیط اطراف خود را مورد توجه قرار دهد، مسائلی همچون کمک به صلح و امنیت جهانی، برابری، رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی و حفاظت از میراث فرهنگی بشریت (UNESCO, 1979) و محیط زیست. البته باید در نظر داشت که وقتی از آموزش حقوق بشر سخن به





میان می‌آید، بیشتر محتوا و مفاد آموزش مد نظر است تا این که تعریفی وابسته به مفهوم ارائه شود، به همین دلیل است که یونسکو به عنوان سازمانی که پیش از همه مقوله آموزش حقوق بشر را به شکل مدون‌تری بیان کرده، هدف اولیه آن را کمک به از میان برداشتن موانع ساختن فرهنگ صلح جهانی معرفی کرد (UNESCO, 2000). همچنین آموزش حقوق بشر همواره باید بر جهانشمولی، غیر قابل تقسیم بودن و غیر قابل انتقال بودن حقوق بشر تأکید کند. در سال ۲۰۰۰ و در گزارش عمومی مجمع آموزش حقوق بشر در مرکز جوانان و نوجوانان شورای اروپا در بوداپست رومانی آموزش حقوق بشر با این پیش‌فرض - ها و این‌گونه تعریف شده است: «آموزش حقوق بشر در چارچوب برنامه جوانان باید به عنوان فعالیت‌های آموزشی و برنامه‌هایی شناخته شود که بر ارتقای برابری و کرامت انسانی تمرکز دارند.» (European Youth Centre, Budapest, 2000: 5-6). سازمان عفو بین‌الملل در تعریف آموزش حقوق بشر این‌گونه بیان می‌دارد: «آموزش حقوق بشر هم درباره حقوق بشر یاد می‌دهد و هم برای آن و هم از طریق حقوق بشر. هدف کمک به مردم برای فهمیدن حقوق بشر، ارزش‌های حقوق بشری و قبول مسئولیت احترام، دفاع و ارتقای حقوق بشر خود و دیگران است!»

به نظر می‌رسد دست‌یابی به تعریفی واحد درباره آموزش حقوق بشر امری مطلوب است اما، این نکته همواره باید در نظر گرفته شود که فرآیند آموزش حقوق بشر در همه کشورها و در سازکارهای مختلف دامنه متفاوتی از اقدامات را شامل می‌شود. بنابراین اگر آموزش حقوق بشر مجموعه‌ای از فعالیت‌ها معرفی می‌شود، در تعریف مجموعه اقدامات نمی‌توان انتظار داشت که با دامنه‌ای مشخص از فعالیت‌ها روبرو شد و باید این اجازه را به نهاد تعریف‌کننده داد تا بنا بر توانایی‌ها و محدودیت‌هایش این دامنه را گسترده یا تنگ‌تر نماید. البته در نهایت هر آنچه در دایره مجموعه اقدامات قرار می‌گیرد باید مهارت‌ها، دانش و ارزش‌های مربوط به حقوق بشر را در میان افراد و گروه‌ها افزایش دهد. نهایت آن که آموزش حقوق بشر می‌تواند سوء استفاده از حقوق بشر را کاهش داده و به ساختن





جامعه‌ای آزاد، عادلانه و برخوردار از صلح کمک کند (OHCHR & UNNESCO, 2006: 2). با توجه به تعاریف فوق می‌توان گفت آموزش حقوق بشر عبارت است از مجموعه اقدامات و فعالیت‌هایی که مهارت‌ها، دانش و ارزش‌های مرتبط با حقوق بشر را در میان افراد و گروه‌ها افزایش دهد و احترام به حقوق بشر و حمایت از آن را در تمامی سنین، پایه‌ها و سطوح ارتقا بخشد.

۲. محتوای آموزش حقوق بشر

قطعه‌نامه شماره ۴۹/۱۸۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۴ میلادی را دهه آموزش حقوق بشر اعلام کرده می‌گوید: «آموزش حقوق بشر باید شامل چیزی بیش از ارائه اطلاعات بوده و روندی فراگیر و مستمر ایجاد نماید که در آن مردم در هر مرحله از رشد که باشند و کلیه اقشار جامعه، احترام به کرامت افراد و روش‌ها و ابزارهای تضمین چنین احترامی در کلیه جوامع را بیاموزند». (UN/GA/A/RES/49/184, 1994). بنابراین هر آموزشی که به توسعه دانش، آگاهی، مهارت‌ها و ارزش‌های حقوق بشری کمک نماید بخشی از آموزش حقوق بشر می‌باشد. این تعریف موسع، صرف نظر از اینکه یادگیرندگان چه کسانی هستند، طیف گسترده‌ای از مفاهیم و برخی اصول متداول را شامل می‌شود. در اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر ۱۹۹۳، بر این مطلب تأکید شد که «آموزش حقوق بشر باید شامل صلح، دموکراسی، توسعه، عدالت اجتماعی و حقوق بشر دوستانه و حکومت قانون باشد.» (انصاری، ۱۳۸۸: ۶۵). با توجه به آن چه در اسناد بین‌المللی گفته شده است محتوای آموزش حقوق بشر باید در بردارنده دانش‌های پایه‌ای حقوق بشری، یادگیری چگونگی استفاده از این دانش‌ها و دانستن دلیل رفتارهای مبتنی بر حقوق بشر باشد. بدین لحاظ در گفتار حاضر این موضوع در سه بند مورد مطالعه قرار خواهد گرفت: الف) دانش، ب) مهارت‌ها، ج) ارزش‌ها و نگرش‌ها.^۳



۲-۱. دانش

انتقال داده‌های حقوق بشری به مردم (اعم از کودک، بزرگسال، زن، مرد، معلولین، سالمندان، اقلیت‌ها، مردم بومی و ...) متناسب با چهار دسته یا گروهی که آن‌ها در آن قرار گرفته‌اند حائز اهمیت بسیاری در فرآیند آموزش حقوق بشر است. مشخص است که کودکان نیاز به آگاهی از حقوق و تکالیف زنان ندارند. حتی می‌توان گفت دانستن این حقوق برای آن‌ها مشکل‌آفرین نیز خواهد شد. همین استدلال در مورد سایر گروه‌ها نیز قابل قبول است؛ در هر نوع از آموزش حقوق بشر باید شرایط روحی، روانی و جسمی یادگیرنده و همچنین شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی منطقه‌ای که آموزش حقوق بشر در آن صورت می‌پذیرد (Choules, 2011: 2, 14) لحاظ گردد. در انتقال دانش حقوق بشری باید بر این امر توجه داشت که آموزش حقوق بشر هم برای حقوق بشر است و هم درباره آن. بنابراین باید توجه شود که فرآیند انتقال دانش حقوق بشری فرآیندی تک بُعدی نیست. در مورد دانش درباره حقوق بشر موضوعاتی مانند چیستی حقوق بشر، ارتباط میان حق‌های بشری، اصول اساسی حقوق بشر (مانند برابری، عدم تبعیض، جهانشمولی، غیر قابل تجزیه بودن و ...)، اسناد اصلی حقوق بشری، فرهنگ و حقوق بشر و ... مورد توجه قرار می‌گیرد. اما در مورد آموزش حقوق بشر برای حقوق بشر، انتقال دانش باید به صورت کاربردی باشد. به نحوی که بتوان آموخته‌های پیشین درباره حقوق بشر را در رفتارها و عمل به اجرا درآورد. این چنین دانشی می‌تواند شامل استراتژی‌هایی برای تغییر وضعیت نابه‌سامان حقوق بشری موجود، برنامه اقدام، کنترل و ارزیابی باشد.

۲-۲. مهارت‌ها

تسلط بر مهارت‌های حقوق بشری فراتر از یادگیری از طریق کتاب است. یادگیری بنیادی امری انفرادی است؛ هر فردی نه تنها باید مسئولیت فردی خود را برای ارتقاء و حمایت از حقوق بشر بپذیرد، بلکه لازم است بداند که در سطح روابط فردی از جمله روابط با خانواده یا اجتماع، چگونه عمل کند. برخی از تجارب مهارت ساز برای جوانان و بزرگسالان می‌تواند از طریق مشارکت فعال در جامعه در مقام شهروند مشارکت جو یا داوطلب کمک کننده ایجاد شود. کارهای اجتماع محور می‌تواند مهارت‌ها را برای تغییر





اجتماعی سازنده از جمله تحلیل مشکلات، رهبری مشارکتی و ایجاد اجماع بالا ببرد. آموزش خدمت رسانی، که در آن فعالیت اجتماعی با برنامه درسی مدارس پیوند داده می‌شود، ارتباط حیاتی میان درک مفهومی و درک تجربی از موضوعات اجتماعی را فراهم می‌آورد (انصاری، ۱۳۸۸: ۷۱). تحلیل کردن، حمایت کردن، لابی نمودن و گزارش دادن، قابل مطالعه و بحث هستند، اما تنها با مشارکت مستقیم فرد در این فعالیت‌ها فراگرفته می‌شوند. بنابراین به همان اندازه که آموزش شهروندی نمی‌تواند از مشارکت در اجتماع، جدا باشد، آموزش حقوق بشر نیز نمی‌تواند از حمایت از حقوق بشر جدا باشد (Flowers 2007: 36).

در تحلیل نهایی راجع به موضوع مهارت آن چه اهمیت دارد این است که نتیجه آموزش مهارت‌ها موجب افزایش همدلی، همکاری، ارتباط، احترام و مسئولیت‌پذیری در فرد گردد. با کسب مهارت‌های حقوق بشری، فرد در طول زندگی روزمره‌اش همواره با مفاهیم حقوق بشری در ارتباط خواهد بود. علاوه بر این کسب مهارت‌های لازم به فرد کمک خواهد کرد تا دانش‌های کسب شده را به درستی و با تحلیل مناسب در زندگی خود به کار گیرد.

۲-۳. نگرش‌ها و ارزش‌ها

انتقال دادن محتوای حقوق بشر، بخش ساده‌ای از آموزش است که از طریق روش‌های سنتی قابل تحقق است. تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و ارزش‌ها، فرآیندی دشوار، کند و خاص است که محقق نمی‌شود مگر با آوردن حقوق بشر به خانه‌ها تا تجربه فردی، آرزوها و ارزش‌های ریشه‌دار افراد را تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به این که حقوق بشر، اشخاص را هم به عنوان افرادی که حقوق ذاتی دارند و هم به عنوان اعضای جامعه دربر می‌گیرد، یادگیری حقوق بشر باید از یک سو، با آگاهی عمیق نسبت به حقیقت فردی و از سوی دیگر، با دانش قوی که محتوایش با توجه به واقعیت‌ها شکل گرفته است، مرتبط باشد (Flowers 2007: 36). بنابراین در چارچوب آموزش حقوق بشر و انتقال دانش باید تلاش گردد که اصول و ارزش‌های بنیادین حقوق بشر به یادگیرنده منتقل شود و تلاش شود تا فرد نسبت به آن ارزش‌ها از نگرشی منطبق با آن چه که باید باشد برخوردار باشد. بر این





اساس فرد باید نکاتی را مثل این که به خود و دیگران احترام بگذارد، نسبت به عمل خود احساس مسئولیت داشته باشد، و... را بیاموزد.

به نظر می رسد هر سه بند ذکر شده ضرورتاً باید در فرایند آموزش حقوق بشر در محتوای این آموزش قرار بگیرند. چه آن که هر سه این موارد در ارتباط متقابل با یکدیگر هستند و یکدیگر را تکمیل می کنند. وجود نگرش مثبت به حقوق بشر و آینده آن و احترام به ارزش های حقوق بشری نسبت به خود و دیگران عاملی بسیار مهم در کارآمد ساختن آموزش حقوق بشر است، لیکن طبیعی است که بدون داشتن دانش و مهارت کافی برای کاربردی کردن این نگرش ها، آموزش حقوق بشر بیهوده خواهد شد. بنابراین لازمه یک آموزش حقوق بشری مؤثر وجود هر سه این موارد در فرآیند آموزش است. اما در جوامع مسلمان از چه ظرفیت هایی می توان به منظور چنین آموزشی بهره برد؟

پژوهش حقوق اسلام و غرب - سال پنجم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۷

۳. ظرفیت های عام جوامع مسلمان برای آموزش حقوق بشر

ظرفیت هایی برای آموزش حقوق بشر وجود دارد که در تمام جوامع مشترک و قابل استفاده است و به اصطلاح ظرفیت های عام محسوب می شوند. جوامع مسلمان نیز از این ظرفیت های عام برای آموزش حقوق بشر برخوردارند که مهم ترین آن ها سازمان های غیردولتی یا مردم نهاد و همچنین کلینیک های حقوقی دانشگاهی است.

۳-۱. سازمان های مردم نهاد و آموزش حقوق بشر

سازمان های غیر دولتی یا مردم نهاد (سمن ها) به اشکال مختلف در سراسر جهان شکل گرفته و ایفای نقش می کنند. سازمان غیردولتی در عام ترین معنایش به سازمانی اشاره می کند که بخشی از ساختار دولت محسوب نمی شود اما نقش بسیار مهمی به عنوان واسطه بین مردم و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا می کند. بودجه ی این سازمان ها از طریق کمک های مردمی، سازمان های دولتی، خود دولت یا ترکیبی از طرق مذکور تأمین می شود. از بعد از جنگ جهانی اول و به خصوص پس از جنگ جهانی دوم، سازمان های





غیردولتی زیادی در زمینه حقوق بشر ایجاد و مشغول فعالیت شده‌اند که در میان آنها می‌توان به سازمان عفو بین‌الملل، کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان و سازمان دفاع از کودکان جهان و سازمان‌هایی نظیر خانه آزادی^۱ و مرکز بین‌المللی حقوق غیرانتفاعی^۲ اشاره کرد. سازمان‌های غیردولتی در قلمرو حقوق بشر فعالیت‌های متنوعی دارند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- نقش قاعده سازی در قلمرو حقوق بشر به این معنا که برخی از سازمان‌های غیر دولتی نقش مهمی در پیشنهاد تدوین و تصویب اسناد بین‌المللی حقوق بشر دارند. اما میزان تأثیر آنها در قاعده‌سازی در قلمرو حقوق بشر بستگی به صلاحیت، ترکیب و ساختار داخلی سازمان‌های بین‌الدولی و کنفرانس‌های بین‌المللی که این سازمان‌ها در آنها پذیرفته می‌شوند دارد. برای مثال نقش قاعده‌سازی سازمان‌های غیردولتی در شورای اروپا نسبت به نقش آنها در کمیسیون حقوق بشر و شورای حقوق بشر ملل متحد بسیار محدود بوده‌است.

۲- نظارت بر استانداردهای حقوق بشر و اجرای آن‌ها: بخش وسیعی از اقدامات سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر، شامل فعالیت‌هایی است که فراتر از مشارکت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی صورت می‌پذیرد، این فعالیت‌ها عمدتاً به صورت مشارکت در اجرای استانداردهای حقوق بشر و نظارت بر اجرای این استانداردها است. این دسته از فعالیت‌ها نیز قدمتی به اندازه سابقه حضور و مشارکت سازمان‌های غیر دولتی در سایر عرصه‌ها دارد. مبارزه علیه برده‌داری، دفاع از حقوق بومیان و مبارزه برای بهره‌مندی زنان از حقوق مدنی و اجتماعی و دسترسی آنها به حق رأی و آموزش و پرورش و تصدی مقامات دولتی در نیمه قرن نوزدهم در آمریکا در این زمینه قابل ذکر است.

۳- آموزش حقوق بشر: سازمان‌های غیر دولتی با درک اهمیت آموزش، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های خود را به مباحث آموزشی اختصاص داده‌اند. این سازمان‌ها با انتشار معیارهای حقوق بشر بین‌المللی و برگزاری کلاس‌ها، کارگاه‌ها، سمینارها و نشست‌های مختلف در زمینه آموزش حقوق بشر فعالیت می‌کنند.





بنابراین، با توجه به نقش مهم و گسترده سازمان‌های غیردولتی در رشد، توسعه و گسترش حقوق بشر و همچنین تعداد بسیار زیاد آنها در تمامی کشورها، این سازمان‌های مردم نهاد می‌توانند در زمینه آموزش حقوق بشر بسیار مؤثر و کارآمد باشند و دولت‌ها می‌توانند با حمایت‌های مختلف از این سازمان‌ها، از آنها برای ترویج فرهنگ حقوق بشر و همچنین آموزش حقوق بشر یاری جویند. دولت موظف است با قراردادن امکانات خود در اختیار سازمان‌های غیردولتی یا مردم نهاد زمینه را برای فعالیت هر چه بیشتر آنها فراهم نماید. در جوامع امروزی سازمان‌های غیر دولتی مزایای بسیار دارند که رسیدن به اهداف مختلف از طریق آنها دارای صرفه اقتصادی بالایی است، چرا که آنها با برخورداری از نیروی انسانی داوطلب و کمک‌های مردمی داخلی و بین‌المللی قادر به تحقق اهداف با هزینه‌ای بسیار پائین هستند، از سوی دیگر این نهادها خود جوش بوده و شکل‌گیری و فعالیت آنها از سرِ اعتقاد اعضای آنها است، بنابراین طبیعی است که این سازمان‌ها به اصول خود پایبندتر و متعهدتر باشند، اصولی که دولت‌ها گاهی به دلیل حفظ منافع و مصالح خود به فراموشی می‌سپارند. در کنار همه این موارد باید متذکر شد که اهداف خیرخواهانه و بشر دوستانه آنها باعث می‌شود که اعتماد عمومی به سمت آنها جلب شود.

۳-۲. کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی و آموزش کلینیکی حقوق بشر

آموزش کلینیکی حقوق، دوره‌ای مطالعاتی مرکب از تجربیات کلاسی همراه با ارایه مشاوره دانشجویان حقوق به مراجعه کنندگان واقعی تحت نظارت یک عضو هیأت علمی دانشکده حقوق است که سابقه و تجربه گسترده در ارایه خدمات و مشاوره حقوقی دارد (Andreopoulos, Claude, 263 & E Steenhuisen, 2006: 265). این متد آموزشی دارای ابعاد عدالت اجتماعی بوده (Maisel, 2007: 378) و به گونه‌ای است که بر اساس اهداف، انتظارات، تنوع مراجعه کنندگان و فرهنگ‌های ملی و مذهبی جوامع می‌تواند منعطف باشد. به واقع در کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی و در پرتوی آموزش کلینیکی، دانشجویان، وکلا و اساتید حقوق در تعامل با هم از یکدیگر بهره برده و در عین حال حقوق را در بین مردم و سطوح مختلف جامعه گسترش می‌دهند. این شیوه آموزشی انعطاف پذیر، مشارکتی، تعاملی، پایدار و کم هزینه است و می‌تواند در جهت بومی سازی





آموزه‌های حقوق بشری نقش بسزایی ایفا کند. دانشجویان نقش اصلی را در کلینیک‌های حقوقی و آموزش کلینیکی حقوق بشر بازی می‌کنند چه آن که آن‌ها به عنوان دانشجو، حقوق و مهارت‌های حقوقی را فرا می‌گیرند و همزمان به عنوان آموزش دهنده سعی در آموزش آن چه فراگرفته‌اند به اقشار مختلف جامعه دارند (Farley & others, 2008: 747).

فرهنگ‌های جامع‌سالان در ارتقای آموزش حقوق بشر

کلینیک‌های حقوقی ثمرات آموزشی قابل توجهی برای وکلا و اساتید حقوق دارد. هم‌نشینی و کلا با اساتید دانشگاه و حضور مستمر در یک محیط علمی دانشگاهی موجب روزآمد شدن دانسته‌های حقوقی آن‌ها و آشنایی با نظریات جدید حقوقی می‌شود (Johnson, 1998: 2, 13). به علاوه حضور در کلینیک‌های حقوقی که نهادهای خیرخواهانه دانشگاهی هستند حس مسئولیت‌پذیری و کلا در قبال محرومین جامعه را بر می‌انگیزد و به تدریج این اندیشه را در آن‌ها نهادینه می‌کند که گسترش حداقل‌های حقوق بشری، تعهد هر فرد انسانی در قبال جامعه خویش است. از سوی دیگر، حضور اساتید حقوق در کلینیک‌ها نیز آن‌ها را با مسایل به روز و کاربردی حقوقی و به طور خاص حقوق بشری در جامعه آشنا نموده و فرصتی برای آن‌ها ایجاد می‌کند تا آثار اندیشه‌های حقوقی را در بستر اجتماع دریابند و به نوعی بازتاب آن‌چه در کلاس درس به صورت تئوری بیان کرده‌اند در عالم واقع مشاهده کرده و بدین ترتیب فرصت ارزیابی قواعد حقوقی را به دست آورند که این خود کارآمدی علم در جامعه را به ارمغان خواهد آورد. از سوی دیگر مشاهده مسایل و خلأهای حقوقی می‌تواند اندیشه‌ها و قواعد حقوقی نوینی را در ذهن اساتید دانشگاهی خلق کند و در نتیجه حقوق بشر از لحاظ علمی توسعه یابد.

آموزش حقوق بشر به روش کلینیکی از دو طریق انجام می‌شود:

الف) کمک به مشاوره در پرونده‌های واقعی حقوق بشری و انجام کار تحقیقی روی این پرونده‌ها تحت نظارت اساتید کلینیکی و وکلا و مشاوران حقوقی





ب) شرکت در برنامه حقوق خیابانی^۱ یا به تعبیر بومی شده حقوق برای همگان؛ این برنامه مربوط به توسعه آن بخش از حقوق است که عموم مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دارند و به همین جهت دانستن این حقوق برای هر شخصی لازم است (McQuoid-Mason, 2006: 3). در این برنامه دانشجویان کلینیکی به صورت گروهی در بخش‌های مختلف جامعه همچون مساجد، مدارس، کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و میان اقشار و گروه‌های مختلف جامعه به ویژه محرومین حاضر شده و با پرسش از مردم سعی می‌کنند مشکلات حقوقی و حقوق بشری آن‌ها را دریافته و راه حل مناسب ارایه دهند. این شیوه آموزش، دانشجویان را با مسایل حقوق بشری واقعی جامعه آشنا می‌کند و به آن‌ها امکان می‌دهد با انجام کار گروهی تحت نظارت اساتید و وکلا بهترین و کاربردی‌ترین راه حل را پیشنهاد دهند. بنابراین دانشجویان در تمام مراحل همزمان با یادگیری حقوق بشر به صورت تعاملی، مشارکتی و کاربردی، خدمات حقوقی رایگان نیز ارایه می‌دهند و به ارتقای حقوق بشر و توسعه عدالت اجتماعی کمک می‌کنند.

فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و غرب - سال پنجم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۷

۴. ظرفیت‌های خاص جوامع مسلمان برای آموزش حقوق بشر

هر جامعه‌ای با توجه به فرهنگ، دین، آداب و رسوم و سنن خود، می‌تواند بسترها و ظرفیت‌های مناسبی برای آموزش حقوق بشر داشته باشد، که باید شناخته و معرفی شوند تا بتوان به بهترین شکل از آن‌ها بهره برد. ظرفیت‌هایی که اگر از آنها صحیح و به موقع استفاده شود می‌تواند تأثیر بسزایی در ارتقای آموزش حقوق بشر داشته باشد. در جوامع مسلمان بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام، تعلیم و تربیت به عنوان وظیفه اجتماعی شناخته شده است و از واجبات اجتماعی به شمار می‌آید که متعلق به کل جامعه است نه یک طبقه خاص. ظرفیت‌های فراوانی برای گسترش آموزش و پرورش در میان مردم در جوامع اسلامی وجود دارد که می‌توان با استفاده صحیح از آن‌ها در مسیر آموزش حقوق بشر، گام‌های بلندی در ارتقای سطح آگاهی‌های حقوق بشری مردم و آموزش حقوق بشر





برداشت. این ظرفیت‌ها در دو بخش قابل بررسی است؛ نخست، ظرفیت‌های جوامع مسلمان در کاهش چالش‌گفت‌و‌گویی دین و حقوق بشر و تأمین محتوای آموزش حقوق بشر و دوم، ظرفیت‌های جوامع مسلمان در تأمین مالی و توسعه نهادی آموزش حقوق بشر. که در ادامه به تبیین این ظرفیت‌ها می‌پردازیم.

۴-۱. کاهش چالش‌ها در گفت‌و‌گویی دین و حقوق بشر و تأمین محتوای آموزش حقوق بشر

آموزه‌های اسلام سرشار از گزاره‌هایی است که بیانگر حق‌های بشری در ارتباطات فرد انسانی با هم‌نوعان خود و محیط پیرامون خو هستند. این آموزه‌ها در جامعه ایرانی که مبتنی بر آموزه‌های امامان معصوم (ع) است دو چندان است. روشن است که پرداختن به همه آموزه‌های حقوق بشری اسلام خارج از تحقیق حاضر است، از این رو در مبحث حاضر، در حدّ توان این آموزه‌ها در دو حوزه رابطه انسان با هم‌نوعان و رابطه انسان با محیط پیرامونی واکاوی می‌شود. در زمینه رابطه انسان با هم‌نوعان نیز آموزه‌های بسیاری در اسلام وجود دارد که مبنای آن‌ها را بایستی در نگرش اسلامی به کرامت انسانی جستجو کرد. در حوزه رابطه انسان با محیط پیرامون خویش نیز برخی آموزه‌های دینی در زمینه حفظ محیط زیست و حمایت از حق بر محیط زیست تبیین می‌شود. این آموزه‌ها، ظرفیت جوامع اسلامی برای تأمین محتوای آموزش حقوق بشر به حساب می‌آید؛ چه آن‌که تلاش برای آموزش و تحقق آن‌ها به خوبی می‌تواند طیف وسیعی از حق‌های بشری مذکور در اسناد بین‌المللی را در جوامع مسلمان بگستراند و تحولات چشمگیری در ارتقای استانداردهای حقوق بشری در این جوامع به وجود آورد. همچنین نقش روحانیون مسلمان در آموزش حقوق بشر و رفع و دفع چالش‌های ارتقای حقوق بشر به مفهوم واقعی کلمه، در جوامع مسلمان قابل توجه است. روحانیون توانسته‌اند، در طول تاریخ، اعتماد مردم را جلب نمایند و به طور سنتی، در استنباط، آموزش و ترویج آموزه‌های دینی و همچنین فرهنگ‌سازی، نقش اساسی در رهبری جوامع مسلمان داشته باشند.





۴-۱-۱. کرامت انسانی مبنای آموزه‌های حقوق بشری اسلامی در رابطه انسان با هم‌نوعان

نکته مهم در کرامت انسانی از منظر آموزه‌های اسلامی، یافتن سنجه و معیاری است که حد و مرز کرامت در انسان از دیدگاه اسلام را نشان دهد. روشن است که این سنجه و معیار باید الهی و اسلامی باشد به گونه‌ای که خود بهره‌ای وافر از کرامت برده باشد زیرا آن چه کریم است صلاحیت توزین کرامت‌ها را دارد و آن چه فاقد کرامت است، نمی‌تواند معیار تعیین کرامت در چیزی باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۶۵). این معیار الهی قرآن کریم و روایات اهل بیت کرام است چرا که قرآن هم از مبدأ با کرامت سرچشمه گرفته است و هم مسیر و پیک این صحیفه الهی همراه با کرامت است^۱ و هم دریافت کننده اولی آن دارای کرامت است^۲ و هم خود این کتاب قرین با کرامت است^۳. اُعترت پیامبر: هم در کنار کتاب خداوند قرار گرفته‌اند و این دو، «ثقلین» ناگسستنی معرفی شده‌اند و این عدل و هم‌سنگی نشان از کرامت اهل بیت (ع) است و حتی کریمانه‌ترین آیات قرآن کریم در شأن ایشان نازل شده است^۴. بنابراین با مراجعه به آیات الهی و روایات اهل بیت، می‌توان دیدگاه اسلام در زمینه کرامت انسانی را به دست آورد که به نظر می‌رسد کرامت در نگرش اسلامی به کرامت ذاتی و کرامت غیر ذاتی قابل تقسیم باشد.

در اندیشه اسلامی، همه ابنای بشر اعم از مسلمان و غیر مسلمان و با تقوا و بی‌تقوا از کرامت ذاتی در دنیا برخوردارند، و این مهم باید در تنظیم روابط اجتماعی و حقوق انسانی در جهان مادی لحاظ شود و توجه داشت که کرامت اکتسابی قسیم کرامت ذاتی است و به همین جهت اثرات مثبت و منفی آن (مثل اهانت و پست‌تر از چهارپا تلقی شدن) نمی‌تواند به قسیم آن تسری یابد و این که تقریباً همه آثار کرامت ذاتی مربوط به عالم ناسوت و عمده آثار کرامت اکتسابی مربوط به عالم لاهوت و مقام محاسبه الهی است. خداوند در

پژوهش‌های حقوق بشری و حقوق اسلام و غرب - سال پنجم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۷



۱. «إقرأ وربك الأكرم، بخوان که پروردگارت، از همه بزرگوارتر است» (علق، آیه ۳).
۲. «بأیدی سفره، کرام برره، (قرآن) به دست سفیرانی است والامقام و دارای کرامت و نیکوکار» (عبس، آیات ۱۵ و ۱۶).
۳. «انه لَقَوْلُ رَسُولِ كَرِيمٍ، این قرآن گفتار رسول کریم و بزرگوار است» (حافه، آیه ۴۰).
۴. «انه لَقْرآنُ كَرِيمٍ» (واقعه، آیه ۷۷).
۵. «فیهم کرائم القرآن»، (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴، ص ۲۵۴).



مقام بیان کرامت ذاتی فرزندان آدم (ع) می‌فرماید: «ما فرزندان آدم را گرامی و مکرم داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکبی راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنها روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کردیم برتری بخشیدیم». همچنین تجلی تکریم ذاتی خداوند از انسان را در این امور می‌توان نظاره کرد: خداوند انسان را جانشین خود در زمین معرفی کرد (بقره، آیه ۳۰؛ نور، آیه ۵۵؛ قصص، آیه ۵). و به فرشته‌ها فرمان داد که در برابر او سجده کنند (سوره ص، آیات ۷۱-۷۴؛ سوره حجر، آیات ۲۸-۳۱؛ سوره بقره، آیه ۳۴). انسان را محور کتاب‌های آسمانی و رسالت انبیای الهی قرار داد (حدید، آیه ۲۵؛ بقره، آیه ۳۸؛ اسراء، آیات ۹-۱۰؛ آل عمران، آیه ۴) و جهان هستی را مسخر او ساخت (ملک، آیه ۱۵؛ لقمان، آیه ۲۰؛ نحل، آیات ۱۰-۱۶؛ اسراء، آیه ۱۲) و برای استفاده بهینه از مواهب خداوندی، او را به نعمت عقل مجهز کرد (آل عمران، آیات ۱۹۰ و ۱۹۱؛ رعد، آیات ۳ و ۴). این نکته شایان توجه است که کرامت ذاتی انسان به خودی خود ارزشمند است و وجود همین کرامت با ارزش در انسان، مستلزم آن است که همه انبای بشر نسبت به حداقل حقوقی که محترم داشتن آن حقوق، احترام به انسان و شخصیت وی محسوب می‌شود حق و تکلیف داشته باشند. در آموزه‌های اسلامی، حقوقی همچون آزادی، برابری، مورد مهربانی واقع شدن، مسالمت و رعایت عدالت و انصاف^۵ و غیره برای همه انسان‌ها بیان شده که به نظر می‌رسد در راستای احترام به بشر و کرامت ذاتی او باشد. به بیان دیگر، احترام حقوق بشر در اسلام، ریشه در «تکریم الهی از انسان» دارد (زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۳۴).

۱. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، آیه ۷۰).
۲. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ آدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَلَا أُمَّهُ وَأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَحْرَارٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۶۹، ح ۲۶).
۳. «النَّاسُ كَأَسْنَانِ الْمَشْطِ سَوَاءٌ، مَرْدَمٌ هَمَانِدُ دَنْدَانِهِ هَيَّ شَانَهُ بِأَهْمٍ بَرَابَرِنْدُ»، (قمی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۳۷۹).
۴. «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش مبادا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).
۵. «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نِ قَوْمِ عَلَىٰ آلَا تَعْدَلُوا إِيْدَلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ، وَ بَدَىٰ هَي قَوْمِي شَمَا رَا بَرِ آن نَادَرْدُ كِهْ عِدَالَتِ نَوْرِيْدِ عِدَالَتِ پِيْشِهْ كِنِيْدُ كِهْ اِيْنِ بِهْ تَقْوَا نَزْدِيْكَ تَرِ اسْتِ» (مائده، آیه ۸).





با تامل در انبوه آموزه‌ها و گزاره‌های فقهی و کلامی اسلام در باره کرامت و ارزش والای انسانی، به عنوان مبنای حق‌های بشری، از یک سو، و نیز انباشت تعالیم و آموزه‌های تربیتی در باره نوع تعامل افراد با یکدیگر و با محیط پیرامون خود و نیز نوع رفتار حکومت با مردم، از سوی دیگر، بخوبی می‌توان هم در جهت کاستن از چالش‌گفتمان دین و حقوق بشر پیش رفت و هم به تولید محتواهای آموزشی پربار و مبتنی بر آموزه‌ها و تعالیم اسلام مبادرت ورزید.

۴-۱-۲. آموزه‌های اسلامی در زمینه محیط زیست مبنای رابطه انسان با محیط پیرامون

هر انسانی به یک نظام جامع عقیدتی نیازمند است که پاسخگوی تمام نیازهای فردی و اجتماعی او باشد. اعتقادات دینی نزد انسان از قوانین حکومتی نیرومندتر است و پای‌بندی افراد به آن بیشتر است، زیرا دارای یک ضمانت اجرای درونی است. انسانها در هر شرایطی اگر معتقد به دین باشند احکام آن را رعایت می‌کنند و این امر سبب می‌شود که نیاز به پلیس و ناظر بیرونی کم شود. یک فرد معتقد به اسلام چون طبیعت و محیط زیست را مخلوق خداوند می‌داند لذا رفتار و ارتباطش را طوری با آن تنظیم می‌کند که خدا می‌خواهد. از این روی، ارزش‌های بنیادین دینی می‌توانند نقش اساسی‌تری را در حفظ و پایداری محیط زیست ایفا کنند. تعدادی از دانشمندان در مرکز ادیان دانشگاه هاروارد به پژوهشی سه ساله پیرامون دین و محیط زیست اقدام کردند. در این پژوهش آمده است که «ادیان باید از نیروی خود برای پایان دادن به بهره‌برداری لجام گسیخته انسان از منابع طبیعی و ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری مشترک برای حفظ محیط زیست استفاده کند» (شاه ولی و کاوری، ۱۳۷۸: ۱۰۲-۱۰۱).

قوانین موضوعه بشری نمی‌تواند امیال خودخواهانه آدمی را که در مسیر پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است به طور کامل مهار نماید. از این رو در پرداختن به بحران محیط زیست لازم است از اصول اخلاقی مندرج در متون دینی بهره‌مند شویم.

حمایت فقهی و اخلاقی از حق بر محیط زیست سالم در پرتوی اصول و قواعد اسلامی قابل دست‌یابی است. منظور از قواعد و اصول عبارت است از ضوابط و اصول کلی پذیرفته شده در دانش فقه که فقیه در حل مسائل مربوط به یک یا چند باب فقهی از آنها استفاده





می‌کند. ویژگی‌های قاعده فقهی، مستند بودن، کلیت داشتن و کاربردی بودن آن است. برخی از این قواعد عام بوده و در مورد کلیه موضوعات اعمال می‌شوند ولی برخی به صورت خاص در یک موضوع حقوقی اعمال می‌گردد. در اینجا به برخی از این قواعد فقهی جهت استفاده از آنها برای حمایت از حق بر محیط زیست اشاره می‌کنیم (موسوی، ۱۳۹۲: ۹۰-۸۹).

۱- «قاعده لا ضرر»: قاعده‌ای است عام و برای هر زمان. بر اساس این قاعده، اتلاف منابع طبیعی و آلوده سازی محیط زیست جایز نیست. در باره مفهوم قاعده لا ضرر گفته شده است که احکام شریعت اسلام حکم ضرری وجود ندارد و اضرار به غیر جایز نیست. بنابراین از آنجا که داشتن محیط زیست سالم حق هر انسانی است، هر عملی که باعث نادیده گرفتن این حق و آلوده کردن محیط زیست شود ممنوع است. لذا با استناد به این قاعده فقهی می‌توان از هر عملی که باعث لطمه به این حق انسان‌هاست جلوگیری کرد. قاعده لا ضرر ظرفیت بالایی را در دسترس فقیه و حقوق‌دان اسلامی قرار داده تا بتواند به مقتضای شرایط و اوضاع و احوال هر عصر و زمان، احکام و مقررات کارآمدی را استنباط کرده و راهگشای مسائل گوناگون زندگی بشر، به ویژه تعیین و تضمین حقوق و تکالیف فردی و جمعی انسان‌ها باشد.

۲- قاعده عدالت: «عدالت از مقیاس‌های اسلام است. باید دید چه چیزی بر آن منطبق است ... بنابراین آنچه عدل است دین همان را می‌گوید» (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۴).^۱ از آن جا که همه حق دارند از محیط زیست سالم برخوردار باشند، لذا عدالت اقتضا می‌کند که هیچ کس این حق همگانی را مورد تعرض قرار نداده و برای منافع خویش حقوق دیگران را پایمال نکند. عدالت اقتضاء دارد که همه انسان‌ها به طور مساوی از



۱. خداوند در آیه ۹۰ سوره نحل می‌فرماید: «به درستی که خدا به عدل و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد» و در آیه ۴۵ سوره حدید می‌فرماید: «به درستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنان کتاب و ترازو فرود آوردیم تا مردم به انصاف و عدالت برخیزند» همچنین پیامبر اسلام می‌فرماید: «عدالت میزان و ترازوی خداوند در زمین است. هر که آن را دریابد به بهشت او را سوق دهد و هر که آن را رها سازد به دوزخش می‌کشاند» (حرّ عاملی، ۱۴۲۰ق، ۳۱۰).



مواهب طبیعی و محیط زیست برخوردار شده و همگان حقوق یکدیگر را در استفاده از محیط زیست محترم شمارند. لذا بر اساس این قاعده می‌توان از اعمالی که منجر به تضييع حقوق دیگران در استفاده از محیط زیست شود و در حقیقت ظلمی در حق دیگر افراد باشد جلوگیری کرد (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۱۳، ۸۸-۸۷).

۳- قاعده مصلحت و ضرورت: اعمال «مصلحت» از اساسی‌ترین محورها و ضوابط تصمیم‌گیری رهبران حکومت اسلامی است. رعایت مصلحت عامه در تصمیم‌گیری‌ها یک معیار است. امام خمینی در این خصوص می‌فرماید: «کسی که بر مسلمین و جامعه بشری حکومت دارد، همیشه باید جهات عمومی و منافع عامه را در نظر بگیرد» (خمینی، ۱۳۶۱: ۱۷، ۱۰۶). در موضوع محیط زیست هم این معیار می‌تواند جاری و ساری باشد. یعنی دولت اسلامی می‌تواند جهت رعایت مصالح عمومی در حفظ حقوق مردم در مورد محیط زیست، اقدام به اتخاذ برخی تصمیمات کند، اگر چه این تصمیم با منافع برخی از افراد در تعارض باشد. یا در مواردی که ضرورت اقتضا می‌کند برخی از اقدامات را در مورد حفاظت از محیط زیست صورت دهد یا جلوی اقدامات قانونی برخی افراد را جهت حفظ منافع و مصالح عمومی بگیرد. یعنی مصلحت عمومی را بر منفعت فردی ترجیح دهد. در نتیجه حفظ محیط زیست که همه افراد جامعه حق دارند از آن بهره‌مند باشند باید در تصمیم‌گیری‌ها و رعایت مصالح عمومی جامعه مد نظر قرار گیرد.

اصولی که به برخی از آن‌ها به عنان نمونه اشاره شد، ظرفیت قابل ملاحظه‌ای را در سامانه فقهی حقوقی اسلام فراهم می‌آورد که همواره نظام حقوقی اسلام را زنده و پویا، قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای حیات بشری ساخته است.

۴-۱-۳. روحانیون مسلمان و آموزش حقوق بشر در جوامع مسلمان

آموزش حقوق همواره پیوند طبیعی با رهبری آموزشی داشته است (Rivers, 2010: 2) و پیشرفت رهبری آموزشی نقش مستقیم در ارتقای آموزش حقوق دارد (2008:2) ، (Rubenstein). از این رو بهترین رهبری آموزشی برای حقوق بشر آن است که حقوق بشر را در سه حوزه مهم آموزش حقوق بشر شامل نخست: دانش و مهارت‌ها، دوم: ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و رفتارها و سوم: حوزه اقدام، گسترش دهد. روحانیون مسلمان با پیشینه بیش از





هزار سال رهبری جامعه در حوزه تعلیم و تربیت مردم، فرهنگ‌سازی و گسترش ارزش‌های اسلامی، به خوبی می‌توانند در زمینه آموزش حقوق بشر و بسط فرهنگ اسلامی احترام به ابناء بشر به عنوان رهبری آموزشی عمل کنند. البته این مهم در دو مرحله محقق می‌شود، نخست: آموزش حقوق بشر به روحانیون مسلمان و دوم: آموزش حقوق بشر توسط روحانیون مسلمان در سطح جامعه. آموزش حقوق بشر به روحانیون مسلمان از یک سو ابعاد مختلف حقوق بشر معاصر را برای ایشان روشن می‌کند (Erfani Nasab & Meghdadi, 2012: 31, 277) و از سوی دیگر به آن‌ها امکان می‌دهد تا آموزه‌ها و گزاره‌های دینی مرتبط با حقوق بشر را بازخوانی کرده و آن‌گاه به ترویج، توسعه و بومی‌سازی حقوق بشر در چارچوب آموزه‌های حقوق بشری اسلام بپردازند.

۴-۲. ظرفیت‌های مناسب برای تأمین مالی و توسعه نهادی آموزش حقوق بشر

جوامع مسلمان علاوه بر ظرفیت‌های پیش‌گفته در جهت تأمین محتوای آموزش حقوق بشر، از نهادهایی خاص بهره می‌برند که بهره‌گیری از آن‌ها در جهت آموزش حقوق بشر می‌تواند زمینه ارتقای حقوق بشر را به خوبی فراهم سازد. مساجد که در سراسر جوامع اسلامی گسترده شده‌اند و در طول تاریخ، علاوه بر نقش عبادی خود دارای نقش‌ها و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند، می‌توانند پایگاهی برای توسعه آموزش-های حقوق بشری در نظر گرفته شوند. این مهم آن‌گاه بیشتر جلوه می‌کند که بدانیم وقف به عنوان نهاد خیرخواهانه همیشه پشتیبان مالی مساجد و البته آموزش بوده است، از این رو می‌تواند کمک‌های مالی موثری در جهت توسعه و ارتقای آموزه‌های حقوق بشری دین داشته باشد. در این قسمت به تشریح هر یک از این ظرفیت‌ها می‌پردازیم.

۴-۲-۱. مساجد و آموزش حقوق بشر

مساجد علاوه بر اصلی‌ترین نقش خود که همان مکان عبادت و راز و نیاز با خداوند است، دارای نقش‌های بسیار مهم و ارزشمندی هستند که از جمله آن‌ها کارکرد آموزشی مساجد است و می‌توان گفت که یکی از برجسته‌ترین کارکردهای مساجد پس از عبادتگاه بودن، نقش آموزشی و تعلیمی آن‌ها است و می‌توان از این ظرفیت برای آموزش در زمینه‌های مختلف بهره جست و با صرف کم‌ترین هزینه، از مساجد به عنوان یک مکان





آموزشی مناسب و در دسترس برای عموم مردم استفاده کرد. محبوبیت و جایگاه ویژه مساجد در میان مسلمانان نیز زمینه حضور پرشور اقشار مختلف در مساجد را فراهم نموده است و از سوی دیگر وجود مساجد متعدد و دسترسی آسان مردم به این نهاد نیز یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که می‌تواند در نقش آفرینی مساجد در امر آموزش بسیار مؤثر باشد. با توجه به آن‌چه از کارکردهای مساجد بیان شد می‌توان با تاسیس کلینیک‌های حقوقی در مساجد، آن‌ها را به عنوان مکان مناسبی برای آموزش کلینیکی حقوق بشر در نظر گرفت، چرا که بسیاری از شرایط مربوط به آموزش حقوق بشر را دارا هستند، از جمله قابلیت دسترسی برای تمامی اقشار جامعه، ایجاد فرصت برابر برای همه بدون هیچ‌گونه تبعیض، محیط یادگیری مشارکتی، کم هزینه بودن و پایداری آموزش. از این رو، مسجد یک محیط فرهنگی - ارتباطی مناسب برای آموزش حقوق بشر و بومی سازی آموزه‌های حقوق بشری در جوامع اسلامی است که تمامی شهروندان می‌توانند به راحتی در آن حضور یابند و آموزش ببینند.

فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و غرب - سال پنجم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۷

۴-۲-۲. وقف و آموزش حقوق بشر

وقف نهادی است که در آن مالکیت خصوصی به مالکیت عمومی تبدیل می‌شود و وقف به معنای هدیه ابدی برای خدمت عمومی یا نگه داشتن اصل چیزی و جاری بودن منفعت آن در جهت خیر و نیکی و رضای خداست. بنابه تعریف دقیق (ماده ۵۵ قانون مدنی) وقف عبارت است از این که «عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود». جمع این واژه اوقاف است و به مال و زمین وقف شده، موقوفه گفته می‌شود. وقف از جمله عقود معینی است که در فقه اهل سنت و امامیه از اعتبار خاصی برخوردار است. اگرچه وقف می‌تواند دو شکل عام و خاص داشته باشد، لیکن جهت گیری کلی این نهاد در هردو شکلش منافع و مصالح عمومی جامعه است.^۱



۱. برای اطلاعات بیشتر در باره وقف و احکام و شرایط و آثار آن می‌توانید از جمله رجوع کنید به: حجابیان، محسن، فرهنگ وقف در اسلام، فصلنامه مشکوه، شماره ۵۰؛ شرح لمعه، کتاب الوقف؛ جواهر الکلام، ج ۲۸، کتاب موقوفات و صدقات؛ احکام وقف (مجموعه استفتانات از آیه الله سید علی خامنه‌ای) file:///C:/Users/acer/Downloads/booklet_57_[Leader.ir].pdf (Leader.ir)



از جمله مواردی که واقفان اهتمام بسیاری به آن ورزیده‌اند، وقف اموال برای اهداف آموزشی بوده است. در تاریخ اسلام و ایران شاهد نقش ارزشمند اموال موقوفه برای توسعه اماکن آموزشی و علمی و تأمین بودجه آنها بوده‌ایم و بخش عظیمی از مدارس و دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی برجسته با پشتیبانی موقوفات اداره می‌شدند. امروزه نیز نقش نهاد وقف در توسعه علم و دانش و مراکز آموزشی به خصوص برای قشر آسیب‌پذیر جامعه، قابل توجه است. از سوی دیگر چنان که پیش از این بیان شد، کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی به تدریج از یک نهاد ایستا در دانشکده‌های حقوق به سمت نهاد حقوقی پویا در جامعه در جهت گسترش عدالت اجتماعی و برآوردن نیازهای حقوقی گام برداشته‌اند و می‌توان آن‌ها را در زمره نهادهای توسعه حقوق بشر به ویژه در جوامع کمتر توسعه یافته و در حال توسعه دانست. با این که کلینیک‌ها می‌توانند نقش بسیار مهمی در آموزش حقوق به تمامی اقشار جامعه ایفا نمایند، اما متأسفانه به دلیل عدم وجود حمایت‌های مالی، تاکنون تنها در چند دانشگاه کشور توانسته‌اند به فعالیت پردازند. برای فراگیر شدن و توسعه آنها نیازمند پشتیبانی مالی از آنها هستیم تا بتوانیم شاهد گام‌های بلندی در آموزش حقوق بشر از طریق کلینیک‌های حقوقی باشیم.

با توجه به نقش گسترده و ارزشمند نهاد وقف در توسعه و پشتیبانی مالی مراکز آموزشی، می‌توان از این نهاد برای گسترش و تأمین مالی کلینیک‌های حقوقی که از جمله مهم‌ترین مراکز آموزش حقوق بشر به مردم هستند و همچنین توسعه و تأمین مالی برنامه آموزش حقوق بشر در مساجد، استفاده نمود. اموال موقوفه و عواید و منافع آن‌ها همان‌گونه که تاکنون در گسترش امر آموزش و توسعه خدمات علمی و اجتماعی در جوامع مسلمان و جامعه ایرانی نقش بسزایی داشته‌اند، می‌توانند پشتیبان مالی مهمی برای آموزش حقوق بشر در این جوامع باشند. بنابراین وقف را می‌توان یکی از ظرفیت‌های ارزشمند جوامع مسلمان در جهت ارتقای آموزش حقوق بشر به شمار آورد.



نتیجه گیری



آموزش حقوق فرایندی مستمر و طولانی مدت است که طی آن، مردم در هر سطحی از توسعه و در هر قشری از جامعه، چگونگی احترام به دیگران و حفظ کرامت انسانی و ابزار و روش های تأمین این احترام را در تمام جوامع می آموزند. آموزش حقوق بشر با بالا بردن سطح آگاهی عمومی به گسترش فرهنگ جهانی حقوق بشر و احترام به آزادی های اساسی بشر کمک می کند. در واقع آماده سازی و توسعه انسان های آگاه می تواند از بسیاری تجاوزها و نقض های حقوق بشری جلوگیری کند، که تمامی این فعالیت ها با هدف ایجاد، ترویج و ارتقای فرهنگ جهانی حقوق بشر انجام می گیرد. با وجود این، آموزش حقوق بشر خود نیز با چالش هایی روبرو بوده و جوامع مسلمان نیز از این امر مستثنا نبوده، ضمن این که در این جوامع چالش مضاعف گفتمان دین و حقوق بشر را هم نباید از نظر دور داشت. اما، با استفاده از راه کارهای بومی و مخصوصا بهره گیری از ظرفیت های خاص جوامع مسلمان، می توان از دامنه این چالش ها کاسته و تا حدود زیادی بر آنها غلبه کرد. مقاله حاضر با واکاوی ظرفیت های عام و خاص جوامع مسلمان برای ارتقای حقوق بشر و احترام به کرامت انسانی، به نتایج ذیل دست یافت:

۱- سازمان های غیر دولتی و همچنین کلینیک های حقوقی دانشگاهی نهادهای موفق در همه جوامع و به عنوان ظرفیت های عام جوامع مسلمان برای آموزش حقوق بشر و ارتقای استانداردهای حقوق بشری هستند. سازمان های غیر دولتی با درک اهمیت آموزش، بخش عمده ای از فعالیت های خود را به مباحث آموزشی اختصاص داده اند. این سازمان ها با انتشار معیارهای حقوق بشر بین المللی و برگزاری کلاس ها، کارگاه ها، سمینارها و نشست های مختلف در زمینه آموزش حقوق بشر فعالیت می کنند و اهداف خیرخواهانه و بشر دوستانه آنها باعث می شود که اعتماد عمومی به سمت آنها جلب شود. کلینیک های حقوقی دانشکده های حقوق نیز نهادهایی مردمی - دانشگاهی بر پایه نیت های خیرخواهانه هستند که در فضایی آکنده از دانش، تجربه، تعهد، و عدالت محوری سعی می کنند بر اساس اهداف، انتظارات، تنوع مراجعه کنندگان و فرهنگ های ملی و مذهبی جوامع، آموزه های حقوق بشری را گسترش دهند. از این رو، ترویج این نهادها و گسترش دامنه





فعالیت این نهادها در جوامع اسلامی و بهره‌مند ساختن آنها از حمایت‌های مقتضی، ضمن ایجاد تعامل میان این نهادها با نهادهای دینی ذی ربط می‌تواند به میزان موفقیت و تاثیرگذاری آنها در تعلیم و ترویج حقوق بشر سازگار با تعالیم اسلامی کمک کند.

۲- جوامع اسلامی از آموزه‌های دینی بسیاری بهره می‌برند که حق‌های بشری در ارتباطات فرد انسانی با هم‌نوعان خود و محیط پیرامون خود را متذکر می‌شود و منبع مناسبی در جهت تأمین محتوای آموزش حقوق بشر به حساب می‌آید. این آموزه‌ها در جامعه ایرانی که مبتنی بر تعالیم امامان معصوم (ع) است دو چندان می‌باشد. کرامت انسانی در نگرش اسلامی به عنوان مبنای حق‌های بشری و رابطه انسان با هم‌نوعان و همچنین آموزه‌های دینی در زمینه حفظ محیط زیست و اصول و قواعد فقهی در جهت حمایت از حق بر محیط زیست به عنوان مبنای رابطه انسان با محیط پیرامونی خویش مورد توجه است. این آموزه‌ها، ظرفیت جوامع اسلامی و به طور خاص جامعه ایرانی برای تأمین محتوای آموزش حقوق بشر به حساب می‌آید چه آن‌که تلاش برای آموزش و تحقق آن‌ها به خوبی می‌تواند طیف وسیعی از حق‌های بشری مذکور در اسناد بین‌المللی را در جوامع مسلمان بگستراند و تحولات چشمگیری در ارتقای استانداردهای حقوق بشری در این جوامع به وجود آورد و در نهایت کاهش تقابل گفتمان دین و حقوق بشر را نتیجه دهد.

۳- جوامع مسلمان، از نهادهای ممتازی بهره می‌برند که به کارگیری آن‌ها در جهت آموزش حقوق بشر می‌تواند آموزه‌های حقوق بشری را به خوبی ارتقا دهد. مساجد که در سراسر جامعه اسلامی گسترده شده‌اند و در طول تاریخ، علاوه بر نقش عبادی خود دارای نقش‌ها و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند، می‌توانند پایگاهی برای توسعه آموزش‌های حقوق بشری در نظر گرفته شوند. این مهم آن‌گاه جلوه می‌کند که در این جوامع وقف به عنوان نهاد خیرخواهانه همیشه پشتیبان مالی مساجد و البته آموزش بوده است از این‌رو می‌تواند کمک‌های مالی مؤثری در جهت توسعه و ارتقای آموزه‌های حقوق بشری دین و آموزش حقوق بشر داشته باشد.

۴- روحانیون مسلمان که به طور سنتی مدیریت مساجد و البته رهبری تعلیم و تربیت جامعه اسلامی را بر عهده دارند و با توجه به اعتمادی که مردم در طول بیش از هزار سال به



ایشان دارند، می‌توانند با بهره‌گیری از امکانات مساجد و کمک مالی نهاد وقف، نقش موثری در رهبری آموزش پایدار آموزه‌های حقوق بشری اسلام ایفا کنند.



منابع

- (۱) قرآن کریم
- (۲) نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، خطبه ۸۹.
- (۳) انصاری، باقر؛ ۱۳۸۸ش، آموزش حقوق بشر، تهران، مجد، ج ۱.
- (۴) حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ ۱۴۲۰ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ بیروت، مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ج ۱۱.
- (۵) خمینی، سید روح‌الله (امام خمینی)؛ ۱۳۶۱ش، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱۷.
- (۶) الزحیلی، محمد؛ ۱۴۱۸ق، حقوق الإنسان فی الإسلام، بیروت، دار ابن کثیر، ج ۲.
- (۷) شاه ولی، منصور و کاوری، باسّم؛ ۱۳۷۸ش، «گفتمان پایداری محیط زیست بین پراگماتیسم و دین» در مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست.
- (۸) قمی، محمد بن علی بن حسین ابن بابویه (شیخ صدوق)؛ ۱۳۸۰ش، علل الشرایع و الأحکام، ترجمه و تحقیق: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، قم، مؤمنین، ج ۱.
- (۹) کلینی، محمد بن یعقوب؛ ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ج ۸.
- (۱۰) لواسانی، محمود؛ ۱۳۸۴ش، فلسفه حقوق بشر و نقد مبانی آن، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- (۱۱) محقق داماد، سید مصطفی؛ ۱۳۹۳ش، الهیات محیط زیست، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- (۱۲) _____؛ ۱۳۷۳ش، «طبیعت و محیط زیست از نظر اسلام». مجله نامه فرهنگ، ۱۳، ۸۷-۸۸.
- (۱۳) مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸ش، فلسفه اخلاق، تهران، صدرا.
- (۱۴) _____، ۱۳۶۹ش، بنای اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات حکمت.

پژوهش حقوق اسلام و غرب - سال پنجم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۷





- (۱۵) _____، ۱۳۹۰ش، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا، ج ۳.
(۱۶) موسوی، سید فضل الله، ۱۳۹۲ش، نگاهی به دیدگاه‌های حقوقی اسلامی، تهران، خرسندی، چ ۱.

17. Amnesty International. <http://www.amnestyusa.org/education/about.html>, 2 November 2016.
18. Andreopoulos, G. J; Claud, R. P. (1997), Human Rights Education for the Twenty-first Century. Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
19. Choules, Kathryn. (2011), "Human Rights Education: A Tool for Social Change in the Pacific". Human Rights Education in Asia- Pacific, Volume 2, 14.
20. Conde, H. Victor. A, (2004), Handbook of International Human Rights Terminology. United States of America: University of Nebraska Press, second edition.
21. Erfani Nasab, Ahmad; Meghdadi, Mohammad M. (2012), "Muslim Clerics and Leadership in Human Rights Education in Muslim Societies", Procedia Social and Behavioural Sciences Journal, 31, 277.
22. Farley H.; Jaszi P.; Philips, V.; Sarnoff, J. & Shalleck, A. (2008), "Clinical Legal Education and the Public Interest in Intellectual Property Law, New York Law School, Clinical Research Institute, Research Paper Series No 08/09 #2, 747.
23. Fifth Session of the UNESCO Advisory Committee on Education for peace, human rights, democracy, international understanding and tolerance from 20-22 March 2000, Available at: **Error! Hyperlink reference not valid.**, 2 November 2016.
24. Flowers, Nancy. (2000), The Human Rights Education Handbook: Effective Practices for Learning, Action and Change. Human Rights Resource Center.
25. General Report of the Human Right Education Forum 7-12 November 2000, European Youth Centre, Budapest, pp.5-6.
26. International Center for Not – For – Profit Law (ICNL). **Error! Hyperlink reference not valid.**, 2 November 2016.
27. Johnson, N. (1998), "Sandwich Placements in Law: Academic Tourism or a Form of Clinical Legal Education?", Web Jornal of Current Legal Issues, 2, 13.
28. Maisel, P. (2007), " Expanding and Sustaining Clinical Legal Education in Developing Countries: What We Can Learn from South Africa". Fordham International Law Journal, 2, 378.
29. McQuoid Mason, (2006), David. Street Law Education for South African School Children. Lansdowne: Juta & Co. Ltd.
30. OHCHR & UNESCO. (2006), Plane of Action; World Programme for



human Rights Education- First Phas .New York and Geneva: UNESCO
in Paris.



فصلنامه پژوهش حقوق بشر و حقوق اسلام و غرب - سال پنجم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۷



31. Recommendation concerning education for international understanding, co-operation and peace and education relating to human rights and fundamental freedoms adopted on 9 November 1979 by the UNESCO General Conference in Paris, available at: http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=13088&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html, 2 November 2016.
32. Rivers-James, F., "Engaging Law Students in Leadership", Elon University School of Law Legal studies Research Paper, No. 2010-06.
33. Rubenstein, H. (2008), Leadership for Lawyer. Chicago: ABA Publishing.
34. Steenhuisen E, (2006), "Goals of Clinical Legal Education", In W. De Klerk (Eds.). Clinical Law in South Africa. South Africa: LexisNexis Butterworths.
35. Tibbitts, Felisa. "Human Rights Education for Social Change: Evaluation Approaches and Metodologies", EQUITAS, Montreal, Canada, May 3-5, (2007): 2.
36. UN/GA/RES/49/184, 23 December 1994 , United Nations Decade for Human Rights Education, Available at: <http://www.un-documents.net/a49r184.htm>, 3 November 2016.